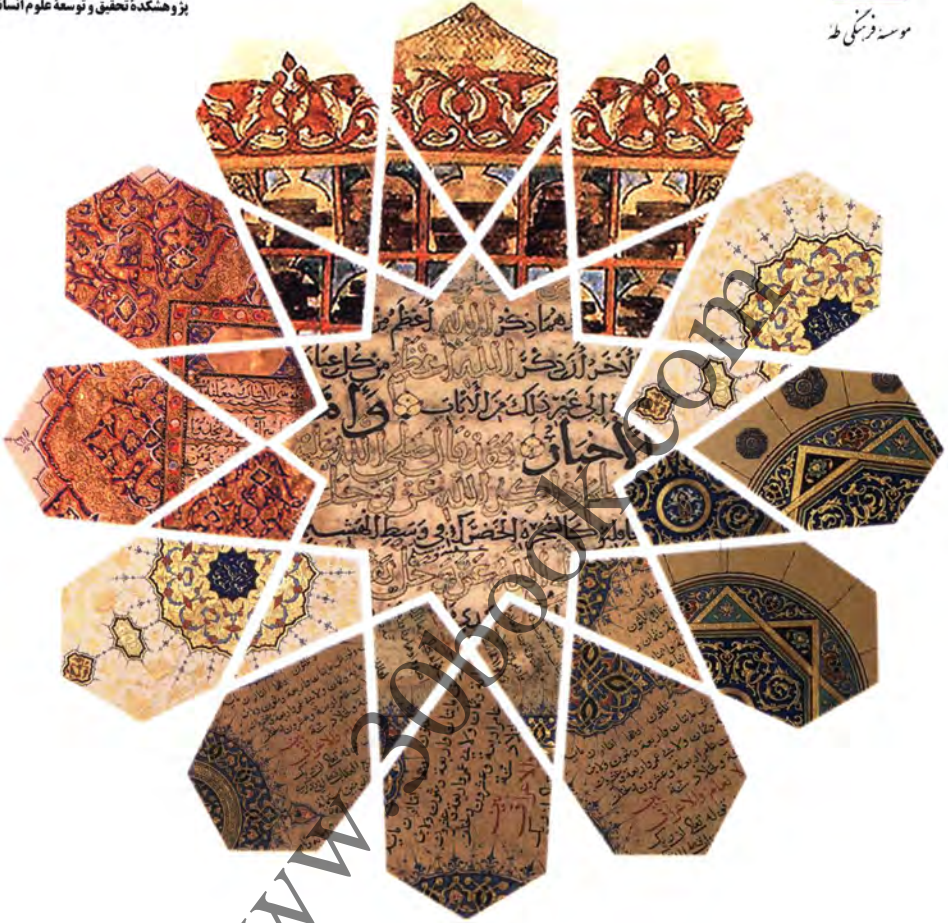




سازمان مطالعه و تدوین (سنت)
پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی



موسسه فرهنگی ط



آشنایی با علوم اسلامی

کلام، فلسفه، عرفان

رضابرنجکار

فهرست مطالب

۵۱	متکلمان امامیه
۵۲	متکلمان نخستین
۵۳	متکلمان عصر غیبت
۵۷	زیدیه
۵۸	شخصیت زید بن علی
۵۸	مکتب کلامی زیدیه
۵۹	اسماعیلیه
۶۱	یادداشتها

بخش دوم

۱. کلیات فلسفه

۶۹	واژه فلسفه
۶۹	اصطلاح فلسفه در میان مسلمانان
۷۰	مابعدالطبیعه (متافیزیک)
۷۰	موضوع فلسفه
۷۲	مسائل فلسفه
۷۳	روش فلسفه
۷۴	مبادی فلسفه
۷۵	هدف و غایت فلسفه
۷۶	تعریف فلسفه
۷۶	کلام و فلسفه

۲. فلسفه مشاء

۷۸	تاریخچه و زمینه پیدایش
۸۱	تعریف فلسفه مشاء
۸۲	کندی
۸۴	فارابی

بخش اول

۱. کلیات علم کلام

۱۲	تعریف علم کلام
۱۲	موضوع علم کلام
۱۳	فایده علم کلام
۱۴	رسالت‌های علم کلام
۱۵	روش و مبادی علم کلام
۱۵	نامگذاری علم کلام
۱۶	پیدایش علم کلام و نخستین مسأله کلامی
۱۷	علل پیدایش و تشدید منازعات کلامی

۲. نخستین حوزه‌های کلامی

۲۱	خوارج
۲۲	مُرجئه

۳. معتزله

۲۷	روش کلامی معتزله
۲۸	عقاید معتزله

۴. اهل الحدیث، اشاعره، ماتریدیه

۳۲	اهل الحدیث
۳۴	اشاعره
۳۵	آرای اشعری
۴۰	استمرار و تطور مکتب اشعری
۴۱	ماتریدیه

۵. شیعه

۴۶	امامیه
۴۸	اصول دین در مکتب امامیه

کلیات علم کلام

علم کلام، مانند بسیاری از دانشها، از یک پیشینه بلند تاریخی برخوردار است. این علم هرچند در حوزه تفکر اسلامی به وجود آمده و به رشد و بالندگی رسیده است در دیگر ادیان، مانند یهودیت و مسیحیت، نیز نظیر آن را می‌توان یافت. با این همه، تنها در اسلام این علم، با ویژگیهایی که برای آن بر خواهیم شمرد، حیاتی مستقل یافت و نامی ویژه به خود گرفت. در مسیحیت مباحث کلامی در دانشی عامتر به نام الهیات (=تئولوژی^۱) جای می‌گیرد. در فرهنگ اسلامی، از همان اوایل نام «کلام» بر آن نهاده شد و تا امروز نیز در سراسر جهان به همین نام و نشان شهرت دارد.

هرچند سرآغاز اندیشه‌ها و فرقه‌های کلامی به سده نخست هجری باز می‌گردد، اما تعبیر «علم کلام» از سده دوم بر سر زبانها افتاد. در آغاز نام «متکلم»، تنها بر معتزلیان اطلاق می‌شد و به این وسیله آنان را از اهل حدیث، که با هر گونه بحث و جدل در دین مخالفت می‌ورزیدند، متمایز می‌کرد. اما به تدریج با رواج اندیشه‌های عقلی در میان سایر فرقه‌ها، به ویژه با ظهور اشاعره، «کلام» مفهومی عام یافت و بر حوزه‌های مختلف اطلاق شد. از این جا بود که برای معرفی رویکردهای مختلف کلامی از عناوینی، مانند کلام معتزله، کلام شیعه، کلام اشاعره و غیره استفاده شد و هر گروه به تأسیس مدرسه کلامی خاص خود همت گماشت و عقاید و آرای خویش را در قالب یک نظام مستقل و ممتاز سامان بخشید.

به این ترتیب، کلام تقریباً تا سده ششم هجری به عنوان یک علم مستقل و حتی گاه رو در رو با علومی مانند فلسفه و عرفان به رشد و گسترش خویش ادامه داد. از آن پس به تدریج علم کلام با فلسفه و تا اندازه‌ای با تصوف، درهم آمیخت و در حقیقت سرنوشت کلام و فلسفه با یکدیگر گره خورد. در این دوره، جز در مواردی اندک، نمی‌توان آثار

کلامی را از آثار فلسفی به روشنی تفکیک کرد. البته در دوران معاصر با ظهور مسائل جدید کلامی و ترجمه آثاری از فلسفه دین غرب، ضرورت احیای علم کلام به عنوان دانشی مستقل در ردیف سایر دانشها بهتر و بیشتر احساس می شود و افقهای روشنی از هم اینک پدیدار است. از این رو، آشنایی با پیشینه علم کلام و فراز و فرودهای آن هم اکنون ضرورتی دو چندان می یابد.

بارها این سؤال مطرح شده است که چگونه و با چه معیاری می توان یک علم را اسلامی یا دینی دانست. برخی معتقدند که تنها دانشی شایسته وصف اسلامیت است که مستقیماً برگرفته از متون اسلامی باشد؛ از آن سو، گروهی بر این باورند که کمترین مناسبت و مشابهت کافی است تا نام اسلامی را بر یک رشته علمی اطلاق کنیم. انصاف باید داد که هر دو گروه به افراط گراییدمانند. بدیهی است، هر علمی ریشه در معارف و منابع اسلامی داشته باشد و در حوزه تفکر دینی رشد و پرورش یابد، شایسته نام اسلامی است. با این فرض، مسلماً علم کلام یکی از حلقه های زنجیره علوم اسلامی به شمار می رود.

تعریف علم کلام

علم کلام را به گونه های مختلف تعریف کرده اند. اما بهترین تعریف، آن است که هم به موضوع علم اشاره کند و هم از روشها و شیوهها و نثر از فواید و آثار آن علم یاد کند و به طور کلی ابعاد و جوانب گوناگون یک دانش را اجمالاً به تصویر کشد. در این جا بی آنکه به دیگر تعاریف اشاره کنیم، تعریفی نسبتاً جامع و کامل از علم کلام ذکر می کنیم: کلام دانشی است که درباره اعتقادات دینی، به شیوه عقلی - نقلی بحث می کند و به تبیین و اثبات عقاید دینی می پردازد و ضمن پاسخ گویی به شبهات و اعتراضات مخالفان، از این عقاید دفاع می کند.

در این تعریف به موضوع علم کلام (اعتقادات دینی)، روش علم کلام (روش عقلی - نقلی) و غایت علم کلام (تبیین و اثبات عقاید دینی و دفاع از آن) اشاره شده است؛ البته این تعریف آنگاه به درستی فهم خواهد شد که به طور دقیق هر کدام از این مفاهیم را باز شناسیم.

موضوع علم کلام

هر علم برای خود موضوعی دارد که تمام مسائل آن در پیرامون همان موضوع شکل می گیرد. حتی برخی گفته اند که تمایز و تفاوت میان دانشها، در حقیقت، به تمایز میان موضوعات آنان باز می گردد. از این رو، در هر علم، ابتدا به معرفی موضوع علم پرداخته

می‌شود. درباره موضوع علم کلام، از دیرباز آرا و نظرهای گوناگون بیان شده است که ذکر همه آنها از قلمرو این کتاب بیرون است. از میان این آرا، نظریه‌ای که از سوی بزرگانی چون لاهیجی، ابن خلدون و شهید مطهری ارائه شده، درست‌تر و پسندیده‌تر به نظر می‌رسد. لاهیجی موضوع علم کلام را (وضع شریعت، ابن خلدون عقاید ایمانی و شهید مطهری اصول دین اسلام معرفی می‌کنند. بر این اساس، به اختصار می‌توان گفت که موضوع علم کلام اعتقادات دینی است.

البته باید توجه داشت که اصول دین در اینجا در مقابل فروع عملی دین قرار می‌گیرد، نه در مقابل فروع اعتقادی دین. می‌دانیم که اعتقادات دینی همه در یک ردیف و رتبه نیستند، بلکه پاره‌ای از عقاید از نظر منطقی یا دینی در جایگاه بالاتر و والاتری نسبت به دیگر عقاید قرار می‌گیرند.

منظور از اصول دین در اینجا، همه اعتقادات دینی و اسلامی است؛ بنابراین علم کلام افزون بر اصولی مانند توحید، علی و معاد، مباحثی از قبیل جبر و اختیار، قضا و قدر، بداء، احوال برزخ، کیفیت ثواب و عقاب را نیز شامل می‌شود. حتی می‌توان گفت که مباحثی، مانند فلسفه تشریح احکام و پاسخ به شبهات اعتقادی در زمینه فروع عملی و اخلاقی دین و مسائلی از این دست که اصولاً ماهیت اعتقادی دارند، در این علم جای می‌گیرد.

فایده علم کلام

اهمیت و جایگاه هر علم به آثار و فواید آن بستگی دارد. پیدایش علوم اساساً برخاسته از نیازهای ویژه‌ای است که پویایی و بالندگی علم در گرو پاسخ‌گویی به همان نیازهاست. بنابراین قبل از هر چیز، این سؤال مطرح می‌شود که این دانش به کدام نیاز پاسخ می‌گوید. نویسندگان و شارحان در مقدمه متون کلامی، از فواید و غایات علم کلام سخن به میان آورده‌اند؛ برای مثال، قاضی عضد ایجی، پنج فایده برای علم کلام بیان کرده است: رسیدن به یقین در اعتقادات، ارشاد مردم و محکوم کردن معاندان، حفظ قواعد دین از شبهات، بنا نهادن اصول اساسی برای کلیه علوم دینی و صحیحتر شدن نیت و اعتقاد. وی پس از طرح این فواید، نتیجه و ثمره نهایی همه را رسیدن به سعادت دنیا و آخرت معرفی می‌کند.^۵

این که فایده نهایی علم کلام را سعادت دنیا و آخرت دانسته است، چندان درست نمی‌نماید، زیرا این مطلب به علم کلام اختصاص ندارد و همه علوم اسلامی سرانجام چنین غایتی را دنبال می‌کنند و اساساً دین به‌طور کلی در صدد تأمین سعادت انسانی است. به

نظر می‌رسد که فواید و آثار مستقیم علم کلام را بتوان در دو محور کلی خلاصه کرد: یکی استنباط عقاید اسلامی و دیگری دفاع از این عقاید. البته هر یک از این دو محور فروع و شاخه‌هایی دارد که در بحث آینده به توضیح آنها خواهیم پرداخت.

رسالت‌های علم کلام

نقش و رسالت علم کلام، یا وظایف و کارهای متکلمان را می‌توان در شش بخش کلی تقسیم و تفکیک کرد: استنباط، تبیین، تنظیم، اثبات، ردّ شبهات وارد شده بر دین و ردّ عقاید و اندیشه‌های ضدّ دینی. با اندکی تأمل درمی‌یابیم که موارد یاد شده نسبت به یکدیگر تقریباً از یک ترتیب منطقی برخوردارند.

بنابراین، می‌توان گفت که متکلم در ادای وظیفه خویش باید شش مرحله متوالی را پشت سر گذارد. نخست متکلم به استنباط گزاره‌های اعتقادی از منابع اسلامی، یعنی قرآن، سنت و عقل، می‌پردازد. سپس به ایضاح مفاهیم و تبیین گزاره‌ها خواهد پرداخت. در این مقام، او باید معلوم نماید که منظور از مفاهیمی مانند رؤیت خدا، حقانیت حق، شفاعت و نظایر آن دقیقاً کدام است. در مرحله بعد، یعنی در مرحله تنظیم، مطالب دینی در قالب‌های مرسوم علوم بشری ریخته می‌شود و گزاره‌ها به تدریج در یک نظام هماهنگ سامان می‌یابد. متکلم در این روند به دلیل ضرورتی که در احتجاج و دفاع از دین احساس می‌کند، به ناچار معارف دینی را تنزّل داده، آنها را در قالب زبان و نظم بشری توضیح می‌دهد. در مقام اثبات، مسائلی که قابل اثبات هستند، به شیوه عقلی به اثبات می‌رسند و اگر گزاره‌ای فراتر از فهم عقل باشد، مخالف نبودن آن با عقل، نشان داده می‌شود. این کار معمولاً با ردّ شبهات و پاسخ به پرسشهای دینی به انجام می‌رسد. آخرین مرحله، یعنی ردّ عقاید ضدّ دینی، مانند مرحله قبل، غالباً به عنوان مقدمه‌ای برای نشان دادن معقولیت عقاید دینی و یا اثبات آنها می‌باشد. در این مرحله، متکلم باید بی‌بدیل بودن عقاید اسلامی و برتری آن را بر سایر ادیان و مکاتب به اثبات رساند.

از مراحل یادشده، گذشته از مرحله نخست، بقیه به بیان و ارائه عقاید دینی به دیگران اختصاص دارد. در مرحله استنباط، متکلم خود درصدد کشف معارف اعتقادی است و کاری با دیگران ندارد. اما در مرحله بیان، متکلم درصدد اظهار و اثبات معارف یادشده برای دیگران است. حال باید دید متکلمان در دو مقام «استنباط» و «بیان» از چه روشی بهره می‌جویند.

روش و مبادی علم کلام

همان‌گونه که در بحث مکاتب و فرقه‌های کلامی خواهیم دید، همه آنها از روش و شیوه یکسانی برخوردار نیستند و مبادی مورد استفاده آنها غالباً متفاوت است. اما قطع نظر از این گونه اختلافها، می‌توان گفت که بیشتر مکاتب کلامی از روش عقلی - نقلی استفاده می‌کنند، گرچه در نحوه و میزان به کارگیری این دو منبع، با یکدیگر تفاوت اساسی دارند.

به‌طور کلی، متکلمان گزاره‌های اعتقادی را به دو بخش کلی تقسیم می‌کنند: بخش نخست، عقایدی مانند وجود خداوند و نبوت پیامبران الهی قرار دارد. بدیهی است که این گزاره‌ها را نمی‌توان به استناد متون دینی اثبات کرد و منحصرأ از دلایل عقلی باید استفاده کرد.

بخش دوم، معارفی است که در آنها از عقل و نقل - هر دو - می‌توان بهره گرفت. این بخش شامل مباحثی است که پس از اثبات خداوند و نبوت خاصه پیامبر اکرم (ص) مطرح می‌شود.

مباحث دسته نخست و نیز استدلالهای عقلی که در اثبات گزاره‌های دسته دوم ارائه می‌شود، در مجموع به کلام عقلی مشهور است و مباحث و دلایل نقلی در بخش دوم کلام نقلی نامیده می‌شوند. به عبارت دیگر، کلام عقلی آن بخش از علم کلام است که مبتنی بر گزاره‌های عقلی است و کلام نقلی بخشی است که در آن از گزاره‌های برگرفته از نقل استفاده می‌شود. نکته قابل توجه این است که متکلمان هنگام بحث و استدلال درباره عقاید دسته دوم، یا دو گروه از مردم مواجه بودند: گروه نخست، غیرمسلمانان بودند که در مواجهه با آنها از استدلالهای عقلی یا گزاره‌های مورد قبول آنها استفاده می‌شد و گروه دوم مسلمانان بودند که درباره آنها بیشتر ادله نقلی به کار می‌رفت.

نامگذاری علم کلام

دلایل مختلفی برای نامگذاری این علم به «کلام» بیان شده است. تفتازانی در مجموع پنج دلیل را به شرح زیر نقل کرده است:

۱. در اوایل، مباحث کلامی با عبارت «الکلام فی...» آغاز می‌شد.
۲. مشهورترین اختلاف متکلمان، مسأله «کلام خدا» و حدوث و قدم آن بود.
۳. این علم توان «تکلم» در مسائل دینی را در متکلم ایجاد می‌کرد.

۴. در این علم، «تکلم» و گفت و گو با مخالفان بیش از دیگر علوم مطرح است.
 ۵. به سبب قوی بودن دلایل، تنها علمی است که شایسته این نام (کلام) است. به دیگر سخن، «کلام» حقیقی و استوار، منحصراً در این علم طرح و اثبات می‌شود.
 البته عوامل دیگری نیز در این باره مطرح شده است^۷ که نیاز به ذکر نیست. مهم این است که بدانیم واقعاً کدام یک از این عوامل در نامگذاری علم کلام مؤثر بوده است. از عبارت تفتازانی و دیگران بر می‌آید که تمام موارد یاد شده، در این خصوص تأثیر داشته‌اند.

با این حال حتی اگر این مدعا را بپذیریم، نمی‌توان پذیرفت که همه عوامل با هم یا به یکسان در این نامگذاری مؤثر بوده‌اند، بی‌تردید باید یک سبب بیشتر و بیشتر از دیگران در این امر دخیل باشد. متأسفانه پژوهشهای انجام گرفته هنوز به یک نتیجه^۸ قطعی نرسیده است.

پیدایش علم کلام و نخستین مسأله کلامی

تردید نیست که قرآن کریم به مباحثی، مانند توحید، معاد و نبوت بیش از سایر عقاید پرداخته است. از این رو، نخستین و مهمترین مسأله کلامی، توحید است، زیرا اولین و مهمترین شعار پیامبر اکرم (ص) در سرزمین حجاز، اعلام کلمه توحید (لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ) و مبارزه با شرک و بت پرستی بود. اما اگر علم کلام را با ویژگیهای خاص آن در نظر آوریم، آغاز آن به زمان رحلت پیامبر اکرم (ص) باز می‌گردد.
 در آغاز بعثت، به دلیل دسترسی به وحی و حضور پیامبر اکرم (ص) که پذیرش عام داشتند، اختلاف اعتقادی چندانی در میان مردم نبود و اگر احياناً اختلافی پیش می‌آمد، با مراجعه به آن حضرت برطرف می‌شد. با رحلت ایشان و منقطع شدن وحی، اختلاف نظرها و به دنبال آن منازعات کلامی آشکار شد و این منازعات در نهایت به پیدایش نظریه‌ها و فرقه‌های گوناگون انجامید.

در مورد اولین مسأله کلامی، برخی بر این عقیده‌اند که «ایمان و کفر فاسق» یا «جبر و اختیار» اولین موضوع منازعات کلامی بوده است.^۹ اما بیشتر مورخان علم کلام از دیرباز، آغاز اختلافات کلامی را بر سر مسأله امامت و خلافت دانسته‌اند.^{۱۰} پس از رحلت پیامبر (ص) گروهی بر آن شدند که پیامبر برای خود جانشینی معین نکرده است و تعیین خلیفه بر عهده مردم یا شورای حل و عقد است (اهل سنت و جماعت)؛ اما

گروهی دیگر، امامت و پیشوایی مسلمانان را دنبالهٔ رسالت و در همهٔ ابعاد دینی و دنیوی یک منصب الهی می‌دانستند (شیعه).

از نظر گروهی از شیعیان، به نام امامیه، امامت صرفاً یک مسألهٔ فرعی و فقهی نیست، بلکه امام به عنوان جانشین پیامبر، همانند او از لغزش و خطا معصوم است و گذشته از رهبری سیاسی، از مرجعیت دینی و الهی نیز برخوردار است. از این رو، امامیه، همواره امامت را در ردیف اصول مذهب و پس از نبوت مطرح می‌کردند و همواره امامت را از زمره مسائل مهم کلامی به شمار می‌آوردند. از این رو این گروه از متکلمان به امامیه معروف گشتند. به این ترتیب، نخستین منازعهٔ کلامی در سال یازدهم هجری قمری در سقیفه بنی ساعده پدید آمد و در واقع ریشه و سرچشمه علم کلام را باید در این واقعه جستجو کرد.

امامت گذشته از اینکه اولین و مهمترین اختلاف کلامی است، در دیگر مباحث کلامی نیز مؤثر بوده است. امامیه از آن جا که امام را همانند پیامبر معصوم می‌دانستند، اهل بیت (ع) را به عنوان مرجع مسائل اعتقادی پذیرفتند. در حالی که سایر فرقه‌ها در کشاکش اختلافات، پس از قرآن و سنت نبوی، پناهی جز عقل و پندار و استنباط شخصی نداشتند. این تفاوت را می‌توان از مقایسهٔ آبا و اندیشه‌های کلامی به خوبی به دست آورد. برای مثال، نظریه خاص متکلمان امامیه در مسأله جبر و اختیار و ایمان و کفر فاسق عمدتاً برگرفته از سخنان اهل بیت (ع) می‌باشد.

علل پیدایش و تشدید منازعات کلامی

هر چند قرآن و احادیث اسلامی، با دعوت انسانها به تفکر و تعقل پیرامون آیات تکوین و جلوه‌های شگفت آور طبیعت و نیز به سبب طرح عمیقترین مطالب دربارهٔ مبدأ و معاد، آفرینش انسان و جهان، قضا و قدر، جبر و اختیار و...، یکی از عوامل مهم در پیدایش مباحث کلامی بوده است، اما علل و عوامل دیگری نیز در این باره وجود دارد که رشد و گسترش مباحث کلامی را موجب شده است. بی تردید، یکی از این عوامل، ورود اندیشه‌های بیگانه در میان مسلمانان بود. گسترش محدودهٔ جغرافیایی اسلام و گرویدن اقوام و ملل مختلف به این آیین الهی از یک سو و همزیستی مسلمانان با دانشمندان ادیان دیگر، مانند یهودیان، مسیحیان، مجوسیان، صابئین، و نیز پیدایش گروهی به نام زنادقه در جهان اسلام که به طور کلی با دین در ستیز بودند، از سوی دیگر جملگی رواج



A Companion to Islamic Sciences

Kalām, Philosophy, Mysticism

Reza Berenjkar

کتاب آشنایی با علوم اسلامی: کلام، فلسفه، عرفان به منظور معرفی سه علم مهم از علوم اسلامی برای دانشجویان الهیات و طلاب علوم دینی تدوین شده است. در بررسی هر علم ابتدا کلیاتی همچون تعریف، موضوع، فایده و روش علم مورد بحث قرار می‌گیرد تا پیش از ورود به مسائل مهم آن، دورنمایی از علم ارائه گردد و دانش پژوه با جغرافیای بحث آشنا شود. یکی از ویژگی‌های این کتاب این است که تاریخچه مختصر پیدایش علم کلام، فلسفه و عرفان در جهان اسلام و نیز تاریخ پیدایی فرقه‌ها و مکتب‌های مختلف را مطرح کرده است.

نویسنده محترم تلاش کرده تا درباره هر یک از مکاتب علوم اسلامی، مبانی و آرای مهم آن را ذکر کند و مشخصه‌های اصلی آن مکتب را برشمارد. بیان روشن و به دور از پیچیدگی، استفاده نکردن از اصطلاحات فنی، ذکر منابع دست اول در قسمت یادداشت‌ها، انتقال مباحث پیچیده‌تر به قسمت یادداشت‌ها برای استفاده استادان و علاقه‌مندان و درگیر نکردن دانش پژوهان با آن مباحث از دیگر ویژگی‌های این اثر است.

این کتاب سال‌ها به عنوان متن درسی در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی استفاده شده است و برای طیف عمومی خوانندگان علاقه‌مند به آشنایی با میراث فکری ایرانی-اسلامی هم سودمند خواهد بود.

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۵۹-۳۹۲-۵

قیمت: ۹۰۰۰۰ ریال



9 789644 593929